VOCABULARY · EPISODE 230

What Does That Even Mean? “I’ll Think About It”: Did They Mean Yes?

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

8 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

I'll think about it

درباره‌اش فکر می‌کنم

DEF

I will consider the idea before giving an answer.

Depending on tone and context, it may signal genuine consideration or reluctance; it is not automatically yes or no.

FA

پیش از پاسخ دادن درباره ایده فکر خواهم کرد.

بسته به لحن و بافت، می‌تواند نشانه بررسی واقعی یا تردید باشد؛ به‌طور خودکار بله یا نه نیست.

I'll think about it and let you know tomorrow.

درباره‌اش فکر می‌کنم و فردا به تو خبر می‌دهم.

She said she'd think about joining us.

او گفت فکر می‌کند که آیا به ما ملحق شود یا نه.

2

get back to someone

بعدا به کسی خبر دادن

DEF

Reply to someone later, often after considering a question.

Often used with let me or I will; an exact reply time is not guaranteed unless stated.

FA

بعدا به کسی پاسخ دادن، اغلب پس از فکر کردن به یک سؤال.

اغلب با let me یا I will می‌آید؛ زمان دقیق پاسخ تضمین نمی‌شود مگر آنکه گفته شود.

Let me get back to you this afternoon.

بگذار امروز بعدازظهر به تو خبر بدهم.

I'll get back to you after I check the dates.

بعد از بررسی تاریخ‌ها به تو خبر می‌دهم.

3

I'm not sure yet

هنوز مطمئن نیستم

DEF

I have not decided or do not know at this point.

Yet keeps open the possibility of deciding later; it is not a definite refusal.

FA

در حال حاضر هنوز تصمیم نگرفته‌ام یا نمی‌دانم.

Yet امکان تصمیم‌گیری در آینده را باز می‌گذارد؛ یک رد قطعی نیست.

I'm not sure yet, but I'll check my calendar.

هنوز مطمئن نیستم، اما تقویمم را بررسی می‌کنم.

She's not sure yet whether she can come.

او هنوز مطمئن نیست که می‌تواند بیاید یا نه.

4

a direct refusal

رد مستقیم

DEF

A clear statement that you will not accept a request or invitation.

A hesitant response may avoid a direct refusal, but is not proof of one.

FA

بیان روشن اینکه درخواست یا دعوتی را نمی‌پذیری.

پاسخ مردد ممکن است از رد مستقیم پرهیز کند، اما ثابت نمی‌کند که قصد فرد همین است.

A direct refusal would be a clear no.

رد مستقیم یک نه روشن است.

She found it difficult to give a direct refusal.

رد کردن مستقیم برای او دشوار بود.

5

follow up

پیگیری کردن

DEF

Ask or act again after an earlier conversation or request.

A follow-up can be polite and low-pressure; it need not demand an immediate answer.

FA

پس از گفت‌وگو یا درخواست قبلی دوباره پرسیدن یا اقدام کردن.

پیگیری می‌تواند مؤدبانه و بدون فشار باشد و لزوما پاسخ فوری نمی‌خواهد.

I'll follow up next week if I haven't heard back.

اگر پاسخی نگیرم، هفته بعد پیگیری می‌کنم.

She followed up with a short message.

او با یک پیام کوتاه پیگیری کرد.

6

let someone know

به کسی خبر دادن

DEF

Tell someone information or a decision.

Can be used in a polite follow-up with a deadline.

FA

اطلاعات یا تصمیمی را به کسی گفتن.

می‌توان آن را در پیگیری مؤدبانه همراه با مهلت زمانی به کار برد.

Could you let me know by Thursday?

می‌توانی تا پنج‌شنبه به من خبر بدهی؟

Please let me know when you decide.

لطفا وقتی تصمیم گرفتی به من خبر بده.

7

make a promise

قول دادن

DEF

Give a commitment to do something.

Considering an invitation does not by itself make a promise to accept.

FA

متعهد شدن به انجام کاری.

فکر کردن به یک دعوت به‌خودی‌خود قول پذیرفتن آن نیست.

She asked for time without making a promise.

او بدون قول دادن زمان خواست.

Do not make a promise you cannot keep.

قولی نده که نمی‌توانی به آن عمل کنی.

8

context

بافت · زمینه

DEF

The surrounding circumstances that help explain a word or action.

Context includes situation, relationship and tone, not only the words themselves.

FA

شرایط پیرامونی که به توضیح یک واژه یا رفتار کمک می‌کنند.

بافت شامل موقعیت، رابطه و لحن است، نه فقط کلمات.

The context can change how the answer sounds.

بافت می‌تواند برداشت ما از پاسخ را تغییر دهد.

Listen to the whole conversation for context.

برای فهم بافت به کل گفت‌وگو گوش بده.